

پاداشت

نقش سایبر بر امنیت ملی



سجاد عابدی

عضو اتاق بازرگانی ایران

عصر اطلاعات به همراه تکنولوژی‌های پیشرفته آن باعث شده تا شاهد دگرگونی‌های عمیقی در مفهوم واژه‌هایی چون تسلیحات، اهداف، تاکتیک‌ها، شیوه‌های جنگی و... باشیم. در سال‌های اخیر خودکار کردن زیرساخت‌های داخلی بعضی کشورها در بخش‌های نظامی، سیاسی و امنیتی، به نحو چشمگیری شتاب یافته است؛ زیرا پیشرفت در شبکه‌های اطلاعاتی، فرصت‌های جدیدی را برای هزینه کمتر و راندمان بیشتر فراهم ساخته است. فضای تعامل سیاست و سایبر، جدیدترین و مهم‌ترین حوزه مورد توجه کارشناسان سیاست و روابط بین‌الملل در عرصه نظری و عملی محسوب می‌شود که غفلت از آن می‌تواند آسیب‌های جدی و غیرقابل پیش‌بینی برای کشورها به عنوان مهم‌ترین بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل داشته باشد. امروزه در عرصه روابط و سیاست بین‌الملل از «امنیت سایبری» صحبت می‌شود. فضای سایبر فضایی واقعی در عرصه‌های جدید برای تاثیرگذاری و تاثیرپذیری و در نتیجه دوستی، همکاری، رقابت، دشمنی و حتی جنگ بین کشورها و سایر بازیگران است. این موارد به خوبی نشان می‌دهد که اینترنت و فضای سایبر عرصه‌ای جدید برای سیاست مهیا نموده‌اند؛ فضایی که در آن افراد، گروه‌های مختلف و دولت‌ها در حال بازیگری و سیاست‌ورزی هستند. در عرصه روابط بین‌الملل، تحت تاثیر سنت واقع‌گرای، مسائل بین‌المللی به مسائل بسیار مهم و حیاتی همچون امنیت و روابط بین‌الملل، موضوعات اقتصادی تقسیم می‌شود. برخی کارشناسان بر این باورند که به دلیل اهمیت فضای سایبر، باید امنیت سایبری را جزو مسائل بسیار مهم، حیاتی و امنیتی یا سیاست عالی قرار داد. در فضای «امنیت سایبر» به عنوان موضوعی مهم و جدید در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل، همچون سایر حوزه‌های سیاست، «ارزش‌ها» و «منافع» توسط بازیگران مختلف همچون دولت‌ها، سازمان‌ها و بازیگران دولتی و غیردولتی و حتی افراد تولید، توزیع و مصرف می‌شود. در واقع امنیت سایبری بر خلاف گذشته، بازیگران جدیدی را در کنار دولت‌ها به عنوان مهم‌ترین بازیگران روابط بین‌الملل قرار داده است که در فضای اینترنت گاهی توانا تر و موفق تر از دولت‌ها هستند. به هر حال جدای از تمامی مزایا و ویژگی‌های مثبت اینترنت، واقعیت این است که اینترنت «فضای سایبری جدیدی» را مهیا نموده که از آن تحت عنوان «جنگ سایبری» یاد می‌شود. در این نوع جنگ، کشورها و سایر بازیگران از اینترنت برای جاسوسی، خرابکاری، ایجاد شورش‌ها و حتی انهدام تانسیسات و مراکز نظامی و حیاتی طرف مقابل استفاده می‌کنند. البته اینترنت فضای جدیدی برای «همکاری» و «تعامل» کشورها نیز ایجاد کرده است. در این راستا، اینترنت با توجه به سرعت و دقت بالا، ایجاد رابطه بین تمامی بازیگران از جمله دولت‌ها، افراد، سازمان‌ها و نهادهای مختلف را آرازان و راحت کرده است. در نتیجه اینترنت برای همکاری و تعامل مهباتر از گذشته شده است. ضمن اینکه کشورها و سایر بازیگران از ضرورت همکاری‌های گسترده بین‌المللی در زمینه اینترنت آگاهی دارند و می‌دانند که فضای سایبر حوزه‌ای جدید از همکاری در عرصه بین‌المللی ایجاد کرده است. در نهایت اینکه فضای جدیدی در عرصه بین‌الملل شکل گرفته که نمی‌توان آن را براساس نظر به‌ها، رویکردها و سطوح گذشته مورد تحلیل قرار داد. در واقع محتوا و فلسفه فضای جدید که از آن با عنوان فضای سایبری یاد می‌شود، بسیار متفاوت از گذشته است. در این فضای جدید انواع جدید و متفاوتی از دوستی، همکاری، رقابت، دشمنی و جنگ در کنار الگوهای گذشته ایجاد شده است. ضمن اینکه بازیگران متنوع و متفاوتی به بازیگران سنتی اضافه شده‌اند که بسیار مهم و غیرقابل پیش‌بینی هستند. در نتیجه این شرایط باید بر نظریات، رویکردها و دیدگاه‌های جدید تاکید نمود که بسیار منعطف‌تر و بازتر از گذشته هستند. بنابراین فضای سایبر شرایط جدیدی ایجاد نموده که در آن موضوعات روابط بین‌الملل به شکل متفاوتی مطرح می‌شوند و در نتیجه شکل جدیدی از سیاست با عنوان امنیت سایبری ایجاد شده که پیامدهای ویژه‌ای در حوزه امنیت ملی و جهانی دارد. بر این اساس به طور کلی می‌توان گفت که «سیاست امنیتی» معنایی متفاوت از آنچه تاکنون بوده، پیدای نماید که شامل دو اصل بنیادین است. از یکسو، برنامه‌ریزان سیاسی، دیپلمات‌ها، همچون حقوق دانان و نتخبگان فکری، در یک برنامه جمعی باید در مقام آن برآیند تا جایی که برای بازیگران خرده و مافوق ملی در عرصه سیاست و اداره جامعه بیایند. از سوی دیگر، عرصه جهانی بیابگر حوزه‌های جدیدی خواهد بود که حکومت‌ها به تنهایی در آن نقش‌آفرین نیستند و به عبارتی «غیرحکومتی» می‌باشند، بنابراین ضمن مشخص شدن قلمرو نفوذ دولت، گونه‌های خاص از مسائل پدید می‌آید که پیدا کردن راه‌حل مناسب برای آنها ضرورتاً از عهده دولت برنمی‌آید. درک و پذیرش این تفکیک، اصلی مهم در معادلات امنیت به حساب می‌آید. بر این اساس برنامه مطالعاتی تازه‌ای شکل می‌گیرد که ماهیت آن نه صرفاً دفع تهدیدات بلکه ایجاد فرصت‌ها و محقق ساختن نیازمندی‌هایی است که ناظر بر توانمندی‌های یک نظام سیاسی است. در این چارچوب است که اندیشه‌گران جدید حوزه مطالعات امنیتی به تفکیک دو رویکرد دولت محور و غیر دولت محور از یکدیگر پرداخته و به این ترتیب به تعریف و شناساندن بازیگران تازه‌ای در معادلات امنیت ملی می‌پردازند که تا پیش از آن برای تحلیلگران چندان مهم نبودند. همزمان با توسعه مطالعات امنیت ملی، مقوله «تهدیدات» نیز متحول گردیده و شاهد عطف توجه به کانون‌های تهدیدزای تازه‌ای می‌باشیم که عمدتاً غیر دولتی بوده و برخلاف دوران جنگ سرد، در دو فضای «مادون» و «مافوق» دولت ملی قرار دارند. ضمن آنکه ملاحظات امنیت ملی ایران دارای تحولات گوناگونی بوده که در این تحولات شاهد توجه بیشتری به لزوم توازن میان مقدور و محدودیت‌ها در ملاحظات امنیت سایبری و ملی هستیم.

یوسف مولایی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

در شمال غربی کشور یارگیری‌های متعددی صورت گرفته است

ایران باید بادیلماسی قوی با تنش

آذربایجان بر خورد کند

تنش‌زایی آذربایجان مسیر را تباطی ایران

به ارمنستان و اروپا را مخدوش کرده است



روسیه در تنش در منطقه قفقاز نقش منفعلی ایفا می‌کند

ترکیه در غیاب روسیه قدرت مانور بیشتری پیدا کرده است

آرمان ملی – احسان انصاری: مرزهای شمال غربی ایران سال‌هاست آبستن تنش‌هایی است که روز به روز نیز افزایش پیدا می‌کند. به تازگی با لشکرکشی الهام‌آلی اف برای تصرف استان سیونیک ارمنستان زنگ‌های خطر بیش از پیش برای ایران به صدا درآمده است. آذربایجان با کمک ترکیه و اسرائیل در پی آن است تا راه ایران با ارمنستان و اروپا را قطع کند و ایران را در تنگنای ژئوپلیتیک جدیدی قرار دهد. این در حالی است که ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور از تغییر ژئوپلیتیک این منطقه سخن گفته و عنوان کرده ایران چنین اجازه‌ای نخواهد داد. «آرمان ملی» برای بررسی ابعاد مختلف این موضوع با دکتر یوسف مولایی، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده است. مولایی معتقد است: «ایران فاقد اهرم فشار اثر گذار برای تغییر نقشه راه جمهوری آذربایجان و ترکیه است. البته این روند می‌تواند با تصمیم‌سازی‌های در دست و معقول تغییر کند. موضوع این است که جمهوری آذربایجان دشمنی خاصی با ایران ندارد، بلکه برای ایجاد ارتباط زمینی میان قره‌باغ و نخجوان به دنبال استیفاي منافع خود است. برای جمهوری آذربایجان ایجاد این ارتباطات زمینی اولویت استراتژیک است. ترکیه هم به هر دلیلی این روند را به نفع خود دانسته و از آن حمایت کرد. برای ایران بسیار سخت بود که بتواند میان این دو همسایه خود تعادل ایجاد کند یا امکانی را فراهم سازد که جلوی این توافق را بگیرد یا اینکه حق و حقوق خود را از این گذرگاه تاریخی استیفا کند.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

فیزیکی در منطقه داشته باشد و به نفع ارمنستان وارد عمل شود. بنابراین تنها بازیگر باقی مانده در منطقه ترکیه است که هم منافع قابل توجهی در ائتلاف و هماهنگی با آذربایجان و هم انگیزه نیرو امکانات کافی در منطقه دارد. بنابراین بعید است که بازیگری خارج از منطقه بتواند در این معادله ورود کرده و تغییرات بنیادینی ایجاد کند. من فکر می‌کنم نهایتاً ترکیه حرف اول را در این بحران و برنامه‌های مرتبط با گذرگاه زنگزور می‌زند و ایران باید راهبرد مناسبی برای استیفاي منافع خود پیدا کند.

◀ مقامات ایران و به صورت ویژه رئیس‌جمهور از تغییر ژئوپلیتیک در منطقه شمال غربی کشور صحبت کرده و عنوان می‌کنند که اجازه چنین کاری را نخواهند داد. تنش‌ها در این منطقه به چه میزان برای ایران مخاطره ایجاد خواهد کرد؟

ایران از زمانی که جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر مناقشه قره‌باغ توافقی انجام داده و مناطقی بین خودشان تقسیم کردند، تنش‌ها برنامه مناسبی برای تعریف و تثبیت منافع خود داشته باشد. به خصوص زمانی که درباره گذرگاه زنگزور برای پیوستن آذربایجان به نخجوان تصمیم‌گیری شد تصمیمات مناسبی از سوی ایران اتخاذ نشد. ایران می‌توانست با هماهنگی روسیه که در آن زمانی منافع مشترکی با ایران داشت برنامه‌های خود را تثبیت سازد. در شرایط فعلی ایران باید دیپلماسی چندجانبه‌ای را به کار بگیرد تا از طریق حسن همجواری با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکیه منافع خودش را تأمین کرده و توسعه تجارت ایران از مسیر ارمنستان را حفظ کند. این امر نیاز به اتخاذ یک دیپلماسی قوی دارد. نباید فراموش کرد در منطقه یارگیری‌های متعددی صورت گرفته است. اما ایران هنوز نتوانسته فشاری به آذربایجان داشته عنوان شریک در اختیار بگیرد. نه ارمنستان واجد توانایی لازم است و نه روسیه به دلیل مشکلاتش در اوکراین میلی به همراهی با ایران دارد. این در حالی است که جمهوری آذربایجان و ترکیه در کنار هم بوده‌و بسیار مصمم هستند که برنامه خود را پیاده‌سازی کنند. نقشه راه منسجمی هم تدارک دیده‌اند. در این میان ایران فاقد اهرم فشار اثر گذار برای تغییر نقشه راه جمهوری آذربایجان و ترکیه است. البته این روند می‌تواند با تصمیم‌سازی‌های در دست و معقول تغییر کند. موضوع این است که جمهوری آذربایجان دشمنی خاصی با ایران ندارد، بلکه برای ایجاد ارتباط زمینی میان قره‌باغ و نخجوان به دنبال استیفاي منافع خود است. برای جمهوری آذربایجان ایجاد این ارتباطات زمینی اولویت استراتژیک است. ترکیه هم به هر دلیلی این روند را به نفع خود دانسته و از آن حمایت کرد.

برای ایران بسیار سخت بود که بتواند میان این دو همسایه خود تعادل ایجاد کند یا امکانی را فراهم سازد که جلوی این توافق را بگیرد یا اینکه حق و حقوق خود را از این گذرگاه تاریخی استیفا کند. آذربایجان افزایش میل خود را به آذربایجان متعلق به آن کافی داده که در صورت بروز هر گونه تنش یا حادثه‌ای از آذربایجان حمایت خواهد کرد. غیر از ارمنستان و آذربایجان بازیگران اصلی در موضوع قره‌باغ، روسیه و آمریکا هستند. با توجه به اینکه روسیه درگیر نبرد در اوکراین است، انرژی کافی برای ورود به بحران قره‌باغ را ندارد. آمریکا هم مشکلات خاص خود را دارد و نمی‌تواند حضور

در شرایط فعلی ایران باید دیپلماسی چندجانبه‌ای را به کار بگیرد تا از طریق حسن همجواری با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکیه منافع خودش را تأمین کرده و توسعه تجارت ایران از مسیر ارمنستان را حفظ کند. این امر نیاز به اتخاذ یک دیپلماسی قوی دارد. نباید فراموش کرد در منطقه یارگیری‌های متعددی صورت گرفته است. اما ایران هنوز نتوانسته فشاری به آذربایجان داشته و به عنوان شریک در اختیار بگیرد. نه ارمنستان واجد توانایی لازم است و نه روسیه به دلیل مشکلاتش در اوکراین میلی به همراهی با ایران دارد

◀ تنش‌های اخیر ترکیه چه نقشی دارد و به دنبال چه اهدافی است؟

ترکیه یک شریک استراتژی تمام‌قد آذربایجان است و در همه مناقشات از آذربایجان حمایت کرده است. این حمایت‌ها نیز لفظی و معنوی نبوده و بلکه از نظر نظامی نیز از این کشور حمایت کرده است. در شرایط کنونی که روسیه درگیر جنگ اوکراین است ترکیه دست‌بازتری دارد که بتواند نقش خود را در این مناقشه بیشتر کند. البته برخی از صاحب‌نظران بر این باور هستند که روسیه همچنان در منطقه قفقاز و تنش‌های اخیر دست بالاتر را دارد. این در حالی است که روسیه در قبال تنش‌های اخیر نقش منفعلی دارد و به ایران نیز هیچ کمکی نمی‌کند. روسیه هیچ فشاری به آذربایجان وارد نمی‌کند که این مسیر را برای ایران باز بگذارد. اگر روس‌ها می‌خواستند از ایران حمایت کنند می‌توانستند این دو کشور را تحت فشار قرار بدهند تا این مسیر را برای ایران باز کنند. در چنین شرایطی است که ترکیه قدرت مانور بیشتری پیدا کرده و به صورت قاطع نیز از علی‌ف حمایت می‌کند. این در حالی است که لحن‌های اف در هفته‌های اخیر تندتر از گذشته شده و کشورهای دیگر از جمله ایران را تهدید می‌کند. وی بارها عنوان کرده که در صورتی که کشورهای آذربایجان را تهدید کنند این کشور نیز مقابله به مثل خواهد کرد. این نشان می‌دهد که سطح همکاری‌های ترکیه با آذربایجان افزایش پیدا کرده و این کشور به آذربایجان امتیازات کافی داده که در صورت بروز هر گونه تنش یا حادثه‌ای از آذربایجان حمایت خواهد کرد. غیر از ارمنستان و آذربایجان بازیگران اصلی در موضوع قره‌باغ، روسیه و آمریکا هستند. با توجه به اینکه روسیه درگیر نبرد در اوکراین است، انرژی کافی برای ورود به بحران قره‌باغ را ندارد. آمریکا هم مشکلات خاص خود را دارد و نمی‌تواند حضور

داستان کل کشور:

همه کشورهای منطقه باید به مقابله با تروریسم بر خیزند

و مبنای اصلی در جهت توسعه همکاری‌های سیاسی، تجاری – اقتصادی است. در حال حاضر اسناد بسیاری از طریق سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) منعقد گردیده است. دستاوردی‌های کل کشورهای عضو اگو نیز تاکنون در تهران، آنتالیایاسلام آباد و اکتون در باکو فراهم آمده و در زمینه همکاری‌های مشترک با یکدیگر به مشورت پرداخته و خواهند پرداخت. امیدوارم در چهارمین نشست بنائویم سازو کار عملی برای این همکاری را ایجاد نمایم. همکاری‌های حقوقی بین‌المللی در جامعه جهانی امروز حائز اهمیت فراوانی است این قبیل دیدارها نیز می‌تواند راهبردهای عملی‌فیما بین در مبارزه با جرائمی که به‌طور فراپندهای در حال جهانی شدن هستند را بیشتر

مشخص و تبیین نماید. زنجیره گسترده مهمی از عملیات‌های تشکیلات مجرمانه چندملیتی در دنیای امروز وجود دارد که امنیت و ایمنی شهروندان در سراسر جهان را تهدید و توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورها را مختل نموده‌اند. وی عنوان کرد: جرائمی از قبیل: قاچاق مواد مخدر – قاچاق سلاح – قاچاق انسان و جرائم مربوط به پولشویی، نزدی دریایی – جرائم سایبری و تروریسم روز به روز گسترش می‌یابد. امروزه تروریسم و مبارزه با آن از مهم‌ترین موضوعات جامعه جهانی به ویژه ملت‌های این منطقه است. اعتقاد داریم که تروریسم خطر بزرگی برای بشریت است لیکن تعریف واحد و جامعی از تروریسم در سطح جهانی وجود ندارد. با کمال

نگره

ژاپن، روسیه و چین کجای برنامه امارات هستند؟

اتحاد شرقی علیه جزایر سه‌گانه

با حمایت ژاپن از حق امارات بر جزایر سه‌گانه ایران، سومین کشور دوست ایران به جمع کارزار حقوقی امارات برای تثبیت حق خود بر جزایر سه‌گانه ایران پیوست. اتحاد شرقی که اگرچه سیاستمداران دولت سیزدهم آن را در صف دوستان و شرکای ایران و ذیل ابتکار «سیاست همسایگی» شناسایی می‌کنند، اما در عمل و در زمین واقعیت به نظر می‌رسد، منافع این کشورها یا اعراب بیشتر از ایران در تحریم تأمین می‌شود. در این راستا حملات تروریستی در الجزایر در ژانویه ۲۰۱۳ تاثیر جدی بر استراتژی شرکت‌های ژاپنی برای گسترش روابط در کشورهای عربی داشت و همکاری‌های امنیتی – اطلاعاتی را به سرفصل تازه‌ای از روابط ژاپن و اعراب تبدیل کرد. در سوی دیگر، آزاده سال ۱۴۰۱ بود که دولت چین هم طی بیانیه‌ای مشترک با کشورهای حاشیه خلیج فارس، ضمن تردید ضمنی در مورد مالکیت جمهوری اسلامی بر جزایر سه‌گانه، خواستار حل مسالمت‌آمیز این مناقشه ساختگی از سوی دولت‌های خلیج فارس شده است. در بند ۱۲ بیانیه مشترک چین و سران کشورهای خلیج فارس آمده بود: «هیران از تلاش‌های مسالمت‌آمیز شامل ابتکارها، پیشنهادهای امارات برای رسیدن به راهکار صلح آمیز برای مسأله سه جزیره نوب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، از راه مذاکرات دوجانبه بر مبنای قوانین بین‌المللی حمایت می‌کنند. موضع گیری‌های دو کشور چین و روسیه در به رسمیت شناختن حق اعراب بر جزایر سه‌گانه، درست زمانی انجام می‌شود که سیاست خارجی دولت سیزدهم، توجه به کشورهای شرقی، به مثابه ایجاد اتحادی راهبردی و دیوانه‌های دیپلماتیک در برابر غرب است. تصویری که سیاستمداران در ایران، پیوندهای اقتصادی و سیاسی کشورهای آسیایی با غرب را نادیده می‌گیرند و در فضایی، تصور ایدئولوژیک شدن پیمان‌های شانگهای و بریکس علیه غرب امنیتی تحلیل خود قرار می‌دهند. تحلیلی که تصور تغییر نظم جهانی به نفع ایران را با تشکیل بلوک اقتصادی شرق علیه غرب، مطرح کرده بود. چه آنکه هم اکنون، چین و روسیه در عضویت پیمان امنیتی – اقتصادی شانگهای هستند و در آخرین نشست شانگهای که در هند برگزار شد، کشورهای عضو سازمان تاکید کردند که اصول احترام متقابل به حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی کشورها، برابری و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها را محور سیاست خود قرار دهند و عدم استفاده از زور و توان نظامی، مبنای توسعه پایدار روابط بین‌الملل قرار گیرد. اما با این حال دو کشور مهم عضو شانگهای و بریکس، از حق امارات بر جزایر ایرانی حمایت کردند. موضوعی که ناظران سیاسی دلیل آن را ضعف اقتصادی ایران متأثر از تحریم‌ها ارزیابی کرده‌اند.

◀ چرا اعراب در متحد کردن شرق علیه ایران موفق‌اند؟

این سومین بار است که در بیانیه پایانی نشست اعراب با سایر کشورها به موضوع جزایر ایرانی و رسمیت دادن به حق امارات بر این جزایر تاکید می‌شود. همکاری کشورهای عربی با سایر کشورها و به ویژه کشورهای آسیایی در ابعاد اقتصادی، سیاست خارجی این کشورها را نیز در پیوند با تفاهم‌نامه‌های اقتصادی قرار داده است. به تعبیر دیگر یکی از شروط اعراب برای سرمایه‌گذاری مالی در سایر کشورها، همسو شدن سیاست خارجی این کشورها در محورهای خاصی است که «مسأله ایران»، برای آن‌ها از مهم‌ترین سرفصل‌های مطرح در یکسال گذشته بوده است. از این رو کارشناسان روابط بین‌المللی می‌گویند بدون درک روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر، پیشبرد سیاست‌هایی همچون توجه به شرق یا همسایگان، اگر چه ممکن است روسای کشورها را در یک قالب تصویر نشان دهد، اما نخواهد توانست منافع ملی کشورها را بدون توجه به پیوند اقتصاد و سیاست خارجی در یک کشور، ناظران سیاسی معتقدند ایران بدون توجه به پیوند اقتصاد و سیاست خارجی، برنامه‌های اقتصادی خود را در فضایی آرمانگراییه و بدون واقعیت اثرات منفی تحریم‌ها، تدوین کرده و برخی سیاستمداران هستند در صف حامیان حق امارات بر جزایر ژاپن به کوشش دارند. برای نمونه نگاه به سفر نخست وزیر ژاپن به امارات که در گزارش سایت وزارت خارجه ژاپن به جزئیات تفاهم‌نامه‌های بین دو کشور اشاره شده، دلیل همراهی ژاپن با امارات در تاکید بر حق این کشور بر جزایر ایرانی، را اولویت روابط تجاری دو کشور ارزیابی می‌کند.

◀ خط قرمز ایران در تمامیت ارضی کشور

از این رو، کارشناسان ژاپنی به دولت توصیه کردند که با توجه به اینکه از زمان زلزله بزرگ شرق ژاپن در مارس ۲۰۱۱، ساختار عرض و تقاضای انرژی ژاپن به طور قابل توجهی تغییر کرده است و وابستگی ژاپن به نفت و گاز طبیعی افزایش یافته، بنابراین، روابط با کشورهای عربی که این مسأله را در ک واقع‌بینانه در روابط بین‌الملل فاصله دارد. برای نمونه نگاه به سفر نخست وزیر ژاپن به امارات که در گزارش سایت وزارت خارجه ژاپن به جزئیات تفاهم‌نامه‌های بین دو کشور اشاره شده، دلیل همراهی ژاپن با امارات در تاکید بر حق این کشور بر جزایر ایرانی، را اولویت روابط تجاری دو کشور ارزیابی می‌کند.

حفظ تمامیت ارضی با هر هزینه‌ای است.